خط و نشان اقتصادی تازه واشنگتن که از سوی وزیر خزانه‌داری این کشور مطرح شد نشانه روشنی از استیصال در برابر پایداری نظامی و اقتصادی ایران و افول هژمونی کاخ سفید است اما نباید نسبت به آن غافل بود

جنگ ارزی و تروریسم اقتصادی، کارویژه وزارت خزانه‌داری آمریکا

گروه سیاسی

مقاله منتشرشده به قلم اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در روزنامه فایننشال تایمز، تنها یک یادداشت مطبوعاتی ساده یا بیان مواضع تکراری نیست؛ بلکه سند رسمی اعلام فاز جدیدی از «جنگ تمام‌عیار اقتصادی و روانی» علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و تمام کارگزاران، شرکا و همپیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن است. بسنت با به‌کارگیری تعبیر تاریخ‌ساز «روزدی» (D-Day) —که یادآور بزرگ‌ترین عملیات نظامی متفقین در جنگ جهانی دوم برای گشودن جبهه جدید علیه آلمان نازی است— می‌کوشد نوعی ارعاب محاسباتی و هراس راهبردی را در میان متحدان و شرکای تجاری ایران ایجاد کند. برای مخاطبان و دلسوزان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، درک ابعاد دقیق این متن، مواضع عریان دشمن و نقد ادعاهای آن، نه از سر انفعال، بلکه گامی ضروری برای تدوین راهبرد مقابله و ارتقای آمادگی ملی است.

۱. نقد و واکاوی ادعاهای بسنت؛ پارادوکس استیصال و غرور

نخستین نکته در واکاوی این متن، ارزیابی ادعاهای شتافته و ادبیات متناقض وزیر خزانه‌داری آمریکا است. بسنت در حالی از «پایان بازی» و تضعیف کامل قدرت منطقه‌ای و هسته‌ای ایران سخن می‌گوید که تمام متن او اعترافی ضمنی اما عمیق به ناکارآمدی تحریم‌های ۴۷ ساله گذشته است. اگر آمریکا توانسته بود ایران را ایزوله کند، چرا امروز نیازمند تهدید عریان و بی‌سابقه کشورهای ثالث، بانک‌ها، صرافی‌ها و خطوط ناوبری جهانی شده است؟ این میزان از پرخاشگری دیپلماتیک و تهدید کشورها به «منفور جهانی شدن»، نشان‌دهنده بن‌بست تحریم‌های یک‌جانبه و شکل‌گیری شبکه‌های قدرتمند تنوع‌بخشی تجاری و مالی توسط ایران است. علاوه بر این، قیاس تروریسم اقتصادی آمریکا با نبرد متفقین علیه فاشیسم، یک تحریف زشت تاریخی است؛ واشنگتن در این معادلات نه نجات‌بخش، بلکه خود مظهر زورگویی تک‌قطبی است. همچنین استفاده ابزاری او از «شرط‌بندی پاسکال» برای تحمیل سلطه آمریکا، نشان‌دهنده استیصال در مشروعیت‌بخشی اخلاقی به جنایت تحریم‌ها علیه ملت ایران است.

۲. هشدارهای واقعی میدان؛ هدف‌گیری ثبات داخلی و روان بازار

با این حال، نباید هشدارهای نهفته در این سند را دست‌کم گرفت یا دچار خوش‌بینی ساده‌لوحانه شد. واشنگتن در این فاز جدید به دنبال انسداد تمام شریان‌های حیات اقتصادی ایران از طریق اعمال فشار حداکثری بر کشورهای ثالث است. تهدید مستقیم صرافی‌ها، مناطق آزاد تجاری، شرکت‌های ناوبری، و همکاران نفتی ایران نشان می‌دهد که اتاق جنگ مالی آمریکا قصد دارد هزینه همکاری اقتصادی با ایران را برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به اوج برساند. ایجاد هراس در خریداران نفت، راه‌اندازی سامانه‌های جدید ردیابی مالی، و تهدید شرکای تجاری در خلیج فارس و آسیا، ابزارهایی هستند که دشمن برای قطع کامل جریان ارز و ایجاد ناآرامی در بازار داخلی ایران طراحی کرده است. بنابراین، مسئولان و افکار عمومی باید بدانند که دشمن تمام ثقل تمرکز خود را بر «جنگ ارزی» و «فروپاشی روانی بازار» گذاشته است.

۳. چه باید کرد؟ الزامات پدافند فعال اقتصادی

در برابر این تهاجم آراسته به ادبیات نظامی، جمهوری اسلامی ایران باید با یک «پدافند غیرعامل اقتصادی» و «آرایش تهاجمی مالی» وارد میدان شود. الزامات حیاتی این مرحله عبارتند از:

• توسعه سریع پیمان‌های پولی چندجانبه و دلارزدایی عملی: تقویت کانال‌های تجاری غیردلاری با کشورهای عضو بریکس، شانگهای و همسایگان، و استفاده از مرمزارزها و شبکه‌های پیام‌رسانی مالی جایگزین سوئیفت، پادزهر اصلی هشدارهای بسنت است.

• انضباط ارزی و ثبات‌بخشی به اقتصاد داخلی: جهاد اصلی درون کشور، ثبات بخشیدن به بازار ارز، مبارزه قاطع با فساد و رانت ارزی، و کوتاه کردن دست اخلال‌گران داخلی است تا جنگ روانی دشمن نتواند معیشت مردم را هدف قرار دهد.

• دیپلماسی فعال و اطمینان‌بخشی به شرکا: دستگاه دیپلماسی باید فعالانه با پایتخت‌های همسایه و قدرت‌های نوظهور وارد گفت‌وگو شده و بسته‌های حمایتی و حقوقی متقابل برای بی‌اثر کردن تحریم‌های ثانویه آمریکا ارائه کند.

• ارتقای همبستگی و اعتماد ملی: جامعه ایرانی باید بداند که هدف آمریکا نه خیرخواهی برای مردم، بلکه تسلیم کامل اقتدار ملی است. ایجاد همبستگی ملی و شفاف‌سازی اقدامات برای مردم، بزرگ‌ترین سپر دفاعی در برابر این عملیات روانی است.

۴. چرا آینده روشن است؟ افق امید و واقعیت‌های جهان چندقطبی

اما چرا باید به آینده امیدوار بود؟ تاریخ چهار دهه گذشته گواه آن است که ایران اسلامی بارها از گذرگاه‌های به‌مراتب سخت‌تر با سربلندی عبور کرده است. امروزه هندسه قدرت جهانی تغییر کرده و دوران سیطره بلامنازع دلار و ابرقدرتی تک‌قطبی آمریکا به پایان خود نزدیک می‌شود. برخلاف دهه ۹۰ میلادی، امروز بلوک‌های قدرت نوظهوری چون چین، روسیه و کشورهای جنوب جهانی شکل گرفته‌اند که خود قربانی زیاده‌خواهی‌های واشنگتن هستند و تمایلی به تمکین مطلق از فرمان‌های تحریمی آمریکا ندارند.

شبکه اقتصادی و بسترهای بومی و منطقه‌ای مبادلات تجاری که ایران طی سالیان زیر سخت‌ترین فشارها ایجاد کرده، امروزه درجه‌ای از زیختگی و انعطاف رسیده است که باخط و نشان کشیدن‌های کاغذی مسئولان آمریکایی فرونخواهد ریخت. «روزدی» واقعی نه تهاجم مالی آمریکا، بلکه روزشکوفایی و بی‌اثری کامل ابزار تحریم در سایه عزم ملی، تدبیر هوشمندانه و اتکا به توانمندی‌های بومی ایران بزرگ خواهد بود. در ادامه صرفا به جهت شناخت سیاست‌های خصمانه دشمن، بخش‌هایی از متن بسنت را می‌خوانیم:

«در سال ۱۹۴۳، قدرت‌های متفقین «کنفرانس تهران» را برای ترسیم مسیر یک اقدام بی‌سابقه تشکیل دادند. در حالی که روزولت و چرچیل در حال سنجش کارزاری بودند که در نهایت به پیاده‌سازی نیروها در نرماندی ختم می‌شد، از خود پرسیدند چه کاری می‌توان انجام داد تا «بیشترین فشار ممکن بر دشمن وارد شود». تاریخ این پرسش را دوباره به تهران بازگردانده است. و اکنون لحظه‌ای فرا رسیده تا با تمام وزن و قاطعیتِ اراده آمریکایی به آن پاسخ داده شود. پرزیدنت دونالد ترامپ و قدرت کوبنده ارتش ما، توانمندی‌های نظامی ایران را به طور قابل توجهی از بین برده و برنامه هسته‌ای آن را تضعیف کرده‌اند. اکنون ما در حال ورود به مرحله پایانی هستیم. در سپیده‌دم، یک «روزِدی» (D-Day) اقتصادی آغاز می‌شود — بزرگترین تهاجم مالی که تاکنون علیه یک دشمن تدارک دیده شده است. آخرین پناهگاه ایران اکنون در خود فریبی کشورهای ترسویی نهفته است که هنوز باور دارند مدارا با تجاوز، می‌تواند صلحی پایدار را تضمین کند. (!) تسهیل‌گران ایران، نفت این کشور را خریداری و حمل می‌کنند. آن هاجریان منابع مالی آن را از طریق صرافی‌ها و مناطق آزاد تجاری تسهیل می‌نمایند. آن ها از پروازهای ایران استقبال کرده و به نیابت از آن، ثبت‌ها و رجیستری‌ها را حفظ می‌کنند. آن ها چشمان خود را بر روی انتقال سوخت در دریا و استفاده غیرقانونی از بانک‌هایشان می‌بندند، در حالی که تمام مدت در حال پنهان کردنِ میزان همدستی خود هستند.

به‌طور خلاصه، این کشورها اینگونه محاسبه می‌کنند که مماشات با رژیم مسیر امن‌تری است. اما بهتر است پیامدهای تداوم این رویه را نیز در نظر بگیرند. در قرن هفدهم، بلزپاسکال، فیلسوف فرانسوی، بینانی ماندگار از معمای نهفته در این وسوسه ارائه داد. او درک کرد که عدم قطعیت، انسان‌ها یا ملت‌ها را از قضاوت الهی مبرا نمی‌کند. در واقع، این امر ارزیابی دقیق‌تری از خطر را می‌طلبد و بهای سنگین‌تری را برای خطا تحمیل می‌کند.

«شرط‌بندی پاسکال» (Pascal's wager) اکنون در مورد شریان‌های حیاتی ایران صدق می‌کند. کشورهایی که برای درامان ماندن از تهران، همچنان به رژیمی که از آن به دنبال محافظت هستند جان دوباره می‌بخشند، اکنون از مرزهای تحمل آمریکا عبور کرده‌اند. پرزیدنت ترامپ با پایان دادن به تهدیدی که روسای جمهور پیشین خود را صرفاً به مدیریت آن قانع کرده بودند، کاری را انجام می‌دهد که آن ها از انجامش سر باز زدند. دهه‌ها بود که طبقه سیاسی به جای پیشبرد منافع آمریکا، چرخه بی‌پایانی از تحریکات را پذیرفته بود. نباید نسل دیگری به کابوس متعصبانی محکوم شود که خود را وقف شعار «مرگ بر آمریکا» و تحقق جاه‌طلبی‌های هسته‌ای رژیم کرده‌اند. انزوای کامل مالی می‌تواند نیاز به نیروی نظامی آمریکا را برطرف کرده و در عین حال دامنه آزادی را برای متحدانمان گسترش دهد. کسانی که ارتباطات مالی و تجاری باقی‌مانده ایران را قطع کنند، به اقتصاد خود جان تازه‌ای خواهند بخشید. آن ها دسترسی خود را به سرمایه جهانی عمیق‌تر می‌کنند، اعتماد را در بازارهای خود تقویت می‌بخشند و به جایگاهی که در اقتصاد جهانی به دنبال آن هستند، دست می‌یابند.

در مقابل، جایگزین برای کسانی که خود را به تهران گره می‌زنند، مسدود شدنِ هرگونه مسیر به سوی شکوفایی پایدار است. همان طور که اغلب اتفاق می‌افتد، در جایی که اعتماد فرو ریخته باشد، تامین مالی غیرقانونی شکوفا خواهد شد. و هر کشوری که به عنوان شریان مالی یک رژیم رو به زوال عمل کند، باید انتظار شریک شدن در انزوای آن را داشته باشد. تبدیل شدن به پناهگاهی برای تروریسم، به معنای تبدیل شدن به یک منفور جهانی در چشم ایالات متحده است. جمهوری اسلامی با پوشاندن لباس «تضمین‌های امنیتی» برتنِ اخاذی هایش، به حیات خود ادامه داده است. این رژیم از محاسباتی قدرت گرفته است که انتقام جویی ایران را «قطعی» و اجرای قوانین آمریکا را «قابل مذاکره» می‌دانست. تحت ریاست جمهوری پرزیدنت ترامپ، آن دوران به سر آمده است. و کسانی که از خطر سرپیچی از تهران می‌ترسند، نباید هزینه آزمودن واشنگتن را دست کم بگیرند. رئیس جمهور شرایطی را فراهم کرده است تا از هرنهاد، هر اختیار و اقدامی که بسیاری گمان می‌کردند هرگز احضار و استفاده نخواهیم کرد، بهره بگیریم. هرگونه پیوند باقی‌مانده با تهران، طرد شدن اقتصادی کشورها و نهادها را تسریع خواهد کرد؛ چه این پیوند عامدانه ایجاد شده باشد و چه عامدانه نادیده گرفته شده باشد. و اگر در حالی که تسلط رژیم بر قدرت به همراه اقتصادش در حال فروپاشی است، ایران به اقدام نظامی علیه نیروهای آمریکایی یا همسایگان خود در خلیج فارس متوسل شود، اشتباه نکنید: پرزیندنت ترامپ پاسخی سریع و قاطع خواهد داد.»

چرا واشنگتن بر خلع سلاح حشدالشعبی اصرار می‌ورزد؟

پروژه تضعیف امنیت عراق

حنیف غفاری

نیروهای توانمند، متعهد و غیور تیپ ۶۳ حشدالشعبی عراق در تازه‌ترین عملیات خود، حمله عناصر گروه تروریستی داعش به یکی از مواضع نظامی در شرق استان صلاح‌الدین را ناکام گذاشتند و مهاجمان را وادار به عقب‌نشینی کردند. این در حالیست که مبارزه تمام‌عیار بسیج مردمی عراق با تروریستهای تکفیری (که به صورت پراکنده در نقاطی از این کشور قرار دارند) همچنان ادامه دارد. درست در چنین شرایطی، برخی اعضای دولت و پارلمان عراق مشغول زمینه‌سازی برای خلع سلاح حشدالشعبی وانحلال آن تا پایان ماه سپتامبر هستند، یعنی همان مهلت زمانی تعیین شده از سوی ترامپ و دیگر مقامات کاخ سفید! در اینجا سوالی به ذهن خطور می‌کند که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت: اینکه در ماورای اصرار برخی مقامات ارشد عراقی مبنی بر انحلال حشدالشعبی، کدام منطق محاسباتی، میدانی، راهبردی و عملیاتی حاکم است؟

مخاطراتی که تشدید شده است

هم‌اکنون مخاطرات امنیتی پیش روی عراق، نه تنها برطرف نشده است بلکه شاهد تنوع عمق و دامنه آن هستیم: تحرکات پراکنده داعش در نقاطی از استان صلاح‌الدین و دیگر مناطق این کشور کماکان ادامه دارد. همچنین شاهد سازماندهی بقایای حزب منحله بعث و در راس آن شاخه نظامی این حزب تروریستی در نقاطی از عراق هستیم. فراتر از آن، ظهور حکومت هیئت تحریرالشام در دمشق قاعدتا باید دولت و پارلمان عراق را وادار به حفظ شاکله و ساختار امنیتی-نظامی حشدالشعبی نماید! بنابراین، نمی‌توان به بهانه خروج رسمی اما غیرواقعی نیروهای اشغالگر آمریکا از عراق، مدعی پایان بحرانهای دست‌ساز واشنگتن و رژیم صهیونیستی در این کشور شد! در هر جامعه‌ای، مقاطعی فرا می‌رسد که کشور با تهدیدی جدی روبه‌رو می‌شود؛ تهدیدی که ممکن است از جنس تجاوز خارجی، تروریسم، بحران امنیتی، فروپاشی زیرساختی یا حتی آشفتگی گسترده اجتماعی باشد. در چنین شرایطی، منطق اداره کشور دیگر منطق عادی روزمره نیست. آنچه در زمان ثبات ممکن است صرفاً یک تشکل محلی، یک نیروی داوطلب، یا یک شبکه مردمی تلقی شود، در زمان بحران به نماد و شاخصه ای از ستون‌های تاب‌آوری ملی تبدیل گردد. در چنین شرایطی، تضعیف توان و زیر سوال بردن موجودیت حشدالشعبی، آن هم در زمان دفاع از کیان عراق، نه فقط یک خطای سیاسی، بلکه یک اشتباه راهبردی مرگبار محسوب می‌شود. انحلال یا حتی تضعیف بسیج مردمی عراق، مترادف با خلع سلاح این کشور در برابر جنگ ترکیبی و نقشه های شوم آنی واشنگتن و تل آویو خواهد بود. اگر برخی سیاستمداران عراقی تصور می‌کنند که حذف حشدالشعبی از معادلات امنیتی کشورشان منتج به پایان توطئه های شبکه حامی-پیروتروریسم آمریکایی-صهیونیستی در این کشور خواهد شد سخت در اشتباه هستند! رویکرد کلان آمریکا نسبت به بغداد براساس تجزیه عراق براساس مولفه های قومیتی و مذهبی شکل گرفته است. این رویکرد، تبدیل به یک فرمول عملیاتی کلان در حوزه سیاست خارجی آمریکا شده و دولتهای دموکرات و جمهوریخواه هر دو تاکتیکها و رفتارهای خود در قبال تحولات این کشور مهم منطقه غرب آسیا را حول آن ترسیم می‌کنند. اتفاقا یکی از وجوه اشتراک مطلق دو حزب سنتی آمریکا، تلاش آنها برای تجزیه عراق است. در این معادله، حشد الشعبی نقش یک مانع مهم را برای دشمنان بغداد ایفا می‌کند.

مسئله اصلی این است که نباید ظرفیت مردمی دفاعی و پشتیبانی کننده عراق را تضعیف کرد. در برهه کنونی که شاهد تصاعد بحرانهای منطقه ای دست ساز و هدفمند آمریکا و رژیم اشغالگر قدس هستیم، عراق بیش از هر زمان دیگری به مشارکت، اعتماد، همبستگی و آمادگی عمومی نیاز دارد. اگر سرمایه ارزنده ای به نام حشدالشعبی با ادبیات تخریبی، اتهام زنی کلی، بی‌اعتبارسازی رسانه‌ای یا رقابت‌های سیاسی فرسوده شود، هزینه آن فقط متوجه یک نهاد یا یک گروه نخواهد بود؛ بلکه کل جامعه عراقی تاوان آن را خواهد پرداخت. منطق راهبردی این موضوع بسیار روشن است: در شرایط تهدید، ظرفیت دفاعی و پشتیبانی یک کشور باید حفظ، سامان‌دهی و اصلاح شود، نه اینکه از هم گسسته شود. حشدالشعبی با توان و ظرفیت عمیق خود می‌تواند در صحنه های زیادی ایفای نقش کند: از امادرسانی و حفاظت از نقاط گوناگون کشور عراق گرفته تا کمک به نظم عمومی، پشتیبانی لجستیکی، انتقال اطلاعات میدانی، ایجاد اطمینان امنیتی در افکار عمومی و تقویت روحیه اجتماعی. اینها وظایفی نیستند که دولت یا نیروهای رسمی به تنهایی از عهده آن برآیند. در بحران های بزرگ، ظرفیت‌های رسمی معمولاً با محدودیت منابع، زمان و گستره پوشش مواجه‌اند. در این میان، شبکه‌های مردمی سازمان یافته مانند بازوی کمکی عمل می‌کنند و شکاف میان نیاز و توان رسمی را کاهش می‌دهند. آیا مخالفان مقاومت عراق چنین منطق مبرهن و واضحی را هنوز درنیافته‌اند؟! آیا اگر حشدالشعبی در بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ میلادی مسئولانه سینه خود را در برابر مهره های متوحش تروریستی آمریکا (داعش) سپر نمی‌کرد، امروز شاهد وقوع آرامشی نسبی در این کشور بودیم؟!

از منظر واقع‌گرایانه، هرچه بحران پیچیده‌تر باشد، نیازبه "هم‌افزایی نیروهای رسمی و مردمی" بیشتر می‌شود. ارتش، نیروهای مردمی، پلیس، نهادهای امدادی، مدیریت شهری، بخش سلامت، رسانه، و مشارکت مردم، همه در کنار هم یک نظام دفاعی و تاب‌آور را شکل می‌دهند. اگر یکی از این اجزا به صورت غیرمنصفانه تضعیف شود، زنجیره کلی امنیتی آسیب می‌بیند. در زمان جنگ یا دفاع ملی، "زمان واکنش" حیاتی است. اگر میان لایه‌های رسمی و مردمی بی‌اعتمادی ایجاد شود، هماهنگی عملیاتی کاهش می‌یابد، تصمیم‌گیری کند می‌شود و هزینه انسانی و اقتصادی افزایش پیدا می‌کند.

یکی دیگر از دلایل مهم برای پرهیز از تضعیف حشدالشعبی در عراق، حفظ سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، آن نیروی نامرئی اما تعیین‌کننده‌ای است که مردم را به همکاری، اعتماد متقابل و مشارکت در سختی‌ها سوق می‌دهد. در وضعیت عادی شاید این سرمایه کمتر دیده شود، اما در بحران، ارزش واقعی آن آشکار می‌گردد. جامعه‌ای که در آن مردم احساس کنند تلاش هایشان نادیده گرفته می‌شود یا هر حرکت داوطلبانه‌ای به سادگی تخریب می‌شود، به‌تدریج دچار بی‌انگیزگی و انفعال می‌شود. در مقابل، جامعه‌ای که مشارکت بسیج مردمی را به رسمیت بشناسد، توان بیشتری برای عبور از بحران خواهد داشت.

نکته دیگر این که در شرایط دفاع ملی، راهکار در میدان در دست روایت‌های بی‌پایه و فضای روانی تخریب‌محور، خود نوعی آسیب امنیتی است. در بحران، جنگ روایت‌ها به اندازه میدان واقعی اهمیت دارد. هر پیام تحقیرآمیز، هر برچسب زنی بی‌محل، و هر دوگانه‌سازی تند علیه حشدالشعبی در عراق روحیه عمومی را تضعیف می‌کند. در حالی که دشمن بیرونی غالباً به دنبال شکستن اراده جمعی است، هر نوع تضعیف داخلی نهادهای مؤثر، خواسته یا ناخواسته به همان هدف کمک می‌کند. بنابراین، از نگاه راهبردی، حفظ شأن و کارکرد نیروهای مردمی، بخشی از دفاع روانی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود.

توحش اقتصادی

ادامه از صفحه اول

اما این ماجرا یک درس مهم دیگر هم دارد. تحریم‌ها اگرچه برای ایران هزینه‌زا بوده‌اند، اما هم‌زمان یک واقعیت بزرگ را نیز آشکار کرده‌اند؛ اقتصادی که بخش مهمی از زیرساخت‌های مالی، فناوری، حمل‌ونقل، بیمه و تجارت خود را به بیرون وابسته نگه دارد، در برابر فشار خارجی آسیب‌پذیر خواهد بود.

بنابراین پاسخ به توحش اقتصادی آمریکا، صرفا اعتراض سیاسی به آمریکا نیست؛ ساختن اقتصادی است که آمریکا نتواند آن را گروگان بگیرد. اگر قرار است نفت بفروشیم، باید زنجیره ارزش، حمل‌ونقل، بیمه، پالایش، پتروشیمی و بازارهای فروش متنوع داشته باشیم. اگر قرار است صنعت داشته باشیم، باید تجهیزات و فناوری‌های راهبردی را تا حد امکان بومی کنیم. اگر قرار است تجارت کنیم، باید مسیرهای متعدد، شرکای متنوع و سازوکارهای مالی مستقل داشته باشیم. اگر قرار است پول ملی داشته باشیم، باید اقتصاد ملی آن قدر مولد باشد که ارزش پول فقط تابع تصمیمات بیرونی نباشد.

توحش اقتصادی را نمی‌توان با شعار شکست داد؛ با تاب‌آوری اقتصادی، تنوع‌بخشی، تولید، فناوری، دیپلماسی اقتصادی و کاهش نقاط آسیب‌پذیر باید با آن مقابله کرد.

آمریکا امروز بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد که قدرت اقتصادی می‌تواند به سلاح تبدیل شود. پاسخ عاقلانه آن نیست که صرفا از شدت ضربه شکایت کنیم؛ باید کاری کنیم که اهرم ضربه، روزبه‌روز کوتاه‌تر شود. جهان نیز باید از این تجربه درس بگیرد. مسئله فقط ایران نیست. اگر یک کشور بتواند با تکیه بر سلطه پولی و مالی خود، تجارت دیگران را مجازات و اقتصاد آنها را محاصره کند، امنیت اقتصادی هیچ کشوری تضمین شده نیست. جهان عادلانه، جهانی نیست که در آن آمریکا مهربان‌تر تحریم کند؛ جهانی است که در آن هیچ قدرتی آن قدر مسلط نباشد که بتواند نان، دارو، تجارت و زندگی ملت‌ها را به ابزار اجرای اراده سیاسی خود تبدیل کند.

این، مسئله ایران و آمریکا نیست؛ مسئله آینده نظم اقتصادی جهان است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۰۵۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم دسته گل امامی تیمور فرزند قبالان به شماره شناسنامه ۵۵۴ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (علیرضا شیخ) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۵۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

بهمن سارلی

رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۰۴۸ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم خدیجه نوبری فرزند بابا به شماره شناسنامه ۴۸۶۰۱۸۸۵۵۱ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (علیرضا شیخ) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۵۱۶

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

بهمن سارلی

رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۴۰۰۷۸۰۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس کلاسه ۱۴۰۵/۵۴۶ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد کمالی به شناسنامه شماره ۹۴۸ کدملی ۲۰۳۱۶۴۷۷۵۱ صادره فرزند رضا تولد ۱۳۵۹ در ششدانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده به مساحت ۱۶۴,۳۳ مترمربع جداشده از پلاک شماره ۶۰۸۷۶ فرعی از ۱- اصلی واقع در گنبدکاووس - شهرک بهارستان - خیابان نیلوفر- کوچه نیلوفر ۷ انتقال ملک از محل تمامت مالکیت مشاعی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۵۳۰

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

رضا سارانی

رئیس ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۲۸۶۰ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم سانازارعی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۲۰۲۰۶۱۳۰۲۶ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری تجاری) به مساحت ۲۸,۸۶ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۶۱۹۰ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (غلامرضا گرگانی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۵۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررأی شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۱۲۰۰۳۱۳۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم طیبه دولتی فرزند خالق بردی به شماره شناسنامه ۵۳۱۰۰۷۲۶۹۱ صادره از مراوه تپه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۰,۰۶ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک های ۷ فرعی از ۲۰۱- اصلی (مالک رسمی وراث خداوردی الهی به مساحت ۴۰,۸۱ مترمربع) و ۲۰۱- اصلی (مالک رسمی ابراهیم الهی به مساحت ۵۹,۲۵ مترمربع) واقع در آبدرویش بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۱۰۵۱۷

تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

بهمن سارلی

رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند

**برابررای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۰۰۴۰۰۱۶۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ هیات اول دوم/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ایرانشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم/ شهناز ناروئی فرزند مصطفی بشماره شناسنامه ۱۳۶ صادره از در یک باب خانه به مساحت ۲۲۰.۴۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۷۰ فرعی از ۴۱۴- اصلی قطعه یک بخش پنج بلوچستان واقع در شهر ایرانشهر خریداری از مالک رسمی آقای اعظم زهرازهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مد